



گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان / جمعی از نویسندگان؛ ویراسته علی موحدیان عطار. - قم:
انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
۵۰۲ ص. - (دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۶۹)
۸۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-964-8090-66-6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
نمایه.

۱. موعودگرایی. الف. موحدیان عطار، علی، ویراستار. ب. دانشگاه ادیان و مذاهب.

۲۰۶/۱

۱۳۸۸ ۹ گ / ۴۷۵ BL

۱۹۶۱۶۱۶

کتابخانه ملی ایران

گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در ادیان

نویسندگان: علی موحدیان عطار، سید سعید منتظری،
مصطفی فرهودی، صادق ابوطالبی، ابوالقاسم جعفری،
محمدعلی رستمیان، اسدالله آذیر، مهرباب صادق‌نیا،
محمدحسن محمدی‌مظفر، مهدی فرمانیان،
محمد نمیری و محمد جاودان

ویراستار علمی: علی موحدیان عطار





انتشارات
دانشگاه ادیان و مذاهب

۶۹

گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان

• مؤلف: جمعی از نویسندگان

• ویراستار علمی: دکتر علی موحدیان عطار

• ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

• نویت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۹

• تعداد: ۲۰۰۰ جلد

• قیمت: ۸۵۰۰ تومان

• شابک: ۶-۶۶-۸۰۹۰-۹۶۴-۹۷۸

• مراکز پخش:

تهران، خیابان حافظ، نرسیده به چهارراه کالج، نبش بامشاد، شماره ۵۲۵.

پکتاب (پخش کتب اسلامی و انسانی) تلفن: ۵-۳۰۳-۸۸۹۴۰۳۱ (۰۲۱)

قم، شهرک پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق(ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب

تلفن: ۱۳-۲۶۱۰-۲۸۰ (۰۲۵۱) نمابر: ۲۸۰۳۱۷۱ (۰۲۵۱)

www.urd.ac.ir

email: press@urd.ac.ir

www.adyan-eshop.ir

به نام خداوند جان و خرد

اندیشه نجات و منجی موعود از فراگیرترین اندیشه‌های بشری است. شاید بتوان اندیشه نجات و منجی موعود را در ردیف گسترده‌ترین دلمشغولی‌های عمومی بشر، همچون اندیشه توحید، تداوم حیات پس از مرگ، و ضرورت ارتباط آسمان با زمین دانست. کمتر قوم و ملت و دینی را سراغ داریم که به‌نوعی در آرمان نجات و نجاتگری کاریزماتیک سر نکنند. اما این اندیشه در هر جا به‌گونه‌ای جلوه‌گر شده است و، در عین حال که شباهت بسیاری میان مصادیق مختلف آن قابل تشخیص است، نقاط تمایز فراوانی را نیز می‌توان یافت. این جستار کوششی علمی است برای شناخت انواع و مصادیق متنوع این اندیشه و میزان اصالت، گستردگی و تأثیر آن در ادیان زنده جهان.

مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به منظور مطالعه و تحقیق در ابعاد مختلف ادیان جهان، و به هدف ایجاد زمینه همگرایی میان حق‌باوران، و با این فکرت که معرفی ابعاد جهانی اندیشه منجی و نجات موعود می‌تواند به تقویت این همگرایی مقدس مدد رساند، از سالیانی پیش، به تدوین پروژه‌های بزرگ در این خصوص دست یازید، تا شاید کمبود آثاری عالمانه و قابل مراجعه را تا حدودی برآورده ساخته باشد.

اثری که اکنون پیش رو دارید، حاصل طراحی و مدیریت علمی جناب آقای دکتر علی موحدیان عطار و تلاش طولانی‌مدت و سنجیده گروهی از محققان است که هر کدام در حوزه تخصص خویش، بخشی از این پروژه سنگین را به پیش برده‌اند.

در پایان مراتب سپاس فراوان خود را از مدیر علمی طرح که هوشمندانه و دلسوزانه در همه مراحل طرح هم‌پای پژوهشگران حرکت کردند و نیز از نویسندگان ارجمند بخش‌های مختلف که با دقت و امعان نظر، اثری ارزشمند و درخور تحسین ارائه کردند، ابراز می‌داریم و امیدواریم که این جستار، آغازی باشد برای پژوهش‌های عمیق‌تری در این حوزه تخصصی.

مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۹
۱. مقدمه: کلیاتی دربارهٔ اندیشه منجی موعود (علی موحدیان عطار)	۱۹
۲. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در آیین زرتشتی (سید سعید منتظری، مصطفی فرهودی)	۳۳
۳. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در آیین هندو (صادق ابوطالبی)	۶۳
۴. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در آیین بودا (ابوالقاسم جعفری)	۸۱
۵. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در ادیان چینی (محمدعلی رستمیان)	۱۳۱
۶. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در یهودیت (اسدالله آذیر)	۱۶۷
۷. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در مسیحیت (مهراب صادق‌نیا)	۲۲۱
۸. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در قرآن و سنت نبوی (محمدحسن محمدی مظفر)	۲۶۱
۹. بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام (مهدی فرمانیان)	۲۸۷
۱۰. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در مذاهب اهل سنت (مهدی فرمانیان)	۳۳۳
۱۱. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در عرفان و تصوف اسلامی (محمد نصیری)	۳۶۱
۱۲. گونه‌شناسی اندیشهٔ منجی موعود در تشیع (محمد جاودان)	۴۰۹
۱۳. جوهرهٔ مهدویت (علی موحدیان عطار)	۴۵۳
نتایج (علی موحدیان عطار)	۴۷۳
نمایه	۴۹۹

پیش‌گفتار

در زمانه ما اندیشه نجات و منجی موعود، یا همان موعودباوری - که در غرب عموماً، آن را با مسیح‌گرایی،^۱ آینده‌گرایی^۲ و هزاره‌گرایی^۳ در یک ردیف طبقه‌بندی می‌کنند - شاید بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است. این بار، اما اهمیت موضوع فقط در این نیست که بسیاری از ملت‌ها و مذاهب جهان موعودباورند، بلکه در آن است که موعودباوری به عنوان یک پدیده دینی رو به رشد، می‌رود تا در معادلات سیاسی و فرهنگی به صورتی تأثیرگذار مطرح شود. برای مسلمانان - به‌ویژه شیعیان -، اهمیت موضوع از آن رو دوچندان می‌گردد که بر این باورند مهدی موعود ایشان «مهدی امت‌هاست» و بنابراین، اندیشه منجی موعود در ادیان را، اندیشه‌ای هم‌سو با اهداف دینی و معنوی خویش و مفید برای آنها می‌انگارند. شاید به همین سبب باشد که در سال‌های اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به مطالعات مربوط به موعودباوری در ادیان، توجه ویژه‌ای شده است.

اما آیا همه مصادیق اندیشه منجی موعود در ادیان و ملل، هم‌سو با آرمان‌های موعودگرایانه اسلام و تشیع ارزیابی می‌شود؟ آیا همه موعودباوری‌ها در ادیان مختلف به یک گونه‌اند؟ آیا می‌شود موعود همه ادیان را مهدی موعود(ع) دانست؟ آیا طرح اندیشه منجی موعود و دامن زدن به این بحث در جهان و جلب توجه همگان به این اندیشه و مدافعان آن در میان ادیان و ملت‌ها به سود جامعه جهانی، انسانیت و معنویت است؟ این اندیشه با صلح جهانی بیشتر نسبت دارد یا با جنگ جهانی؟ اینها و ده‌ها پرسش مشابه دیگر در این زمان فراروی ما خودنمایی می‌کند و پاسخ می‌طلبد؛ پاسخی نه صرفاً از روی رهیافت‌های ایمانی و ایدئولوژیک، بلکه، از سر تحقیق و صداقت علمی.

1. messianism

2. futurism

3. millennialism

اما، با وجود صرف هزینه‌ها و وقت بسیار، به نظر نمی‌رسد آنچه تاکنون، به‌ویژه در حوزه پژوهش‌های فارسی، در این باره صورت گرفته است در برآورد این ضرورت کامروا بوده باشد.

آسیب‌شناسی مطالعات موعودی

با همه گسترشی که مطالعات و تحقیقات در باب موعودباوری در دهه اخیر داشته است، کمتر به گزارش یا تحلیلی عمیق و اصولی در این باره برمی‌خوریم. این مطالعات به‌طور عمومی از چند سو دچار آسیب بوده است:

۱. توجه صرف به شباهت‌های ظاهری و عدم توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های فردی و نوعی اندیشه نجات و منجی موعود در هر یک از ادیان، به‌مانند هر اندیشه دینی دیگر، در چارچوب دینی و فرهنگی خاص همان دین معنا می‌یابد و درست به‌همین سبب است که این اندیشه در هر کجا، ویژگی‌های آن دین و فرهنگ را به خود می‌گیرد. گذشته از این، در هر یک از ادیان، این اندیشه می‌تواند از خاستگاه متفاوتی سرآغاز گرفته باشد، یا مقصد و آرمان دیگری را در سر بپرورد، یا موعودی با ویژگی‌های ماهوی متمایزی را نوید دهد، یا اینکه جوهره‌ای، خاص خود، داشته باشد. در نظر نیاوردن این زمینه‌های تمایز و روی آوردن به شباهت‌های ظاهری، می‌تواند موجب دور شدن مطالعات ما از واقعیت‌های مهم موجود در این موضوع گردد.

۲. تکیه بر منابع غیر معتبر و سطحی

اگرچه این نقیصه در هر تحقیق و مطالعه‌ای آسیبی جدی به شمار می‌رود، اما در مطالعات موعودباوری در ادیان زمینه گسترده‌تری داشته است. شاید این وضعیت، از کمبود منابع در زمینه ادیان - به‌طور عام - و محدودیت بیشتر منابع در باب اندیشه منجی موعود در ادیان - به‌طور خاص - ناشی باشد. بخش قابل توجهی از آثاری که در گذشته - به‌ویژه در حوزه مطالعات فارسی - درباره موعودباوری در ادیان منتشر شده است و شماری از این آثار که هم‌اکنون به صورت کتاب یا مقاله عرضه می‌شود، آشکارا از این آسیب رنج می‌برد. شور تبلیغی و ترویجی برخی نویسندگان، سبب شده تا بی‌آنکه زحمت مراجعه به منابع معتبر و دست اول در زمینه ادیان را به خود دهند، به هر نوشته چاپ‌شده‌ای که درباره موعودباوری در ادیان سخنی رانده است، به مثابه

سندی علمی استناد کنند؛ در حالی که بسیاری از این نوشته‌ها تقلیدی است، یا در نهایت از روی گزارش‌های سطحی و غیر علمی اقتباس شده است.

۳. عدم اعتنا به برداشت و تفسیر پیروان هر دین از متون مقدس خود

به‌طور مسلم، متون مقدس و اصلی هر دین از مهم‌ترین منابع مطالعاتی اندیشه‌ها و آموزه‌های آنهاست. اما نمی‌توان برای مطالعه آموزه‌ای در یک دین، صرفاً به مراجعه به این متون بسنده کرد، و برداشت و فهم و تفسیر پیروان آن دین را نادیده گرفت؛ زیرا: اولاً، آموزه‌های هر دین فقط در متون مقدس و اصلی آن شکل نهایی نمی‌گیرد، بلکه در طی سنتی تاریخی، تکامل می‌یابد یا منکشف می‌شود.

ثانیاً، برداشت پیروان هر دین از متون خود، که در سنت تفسیری آنان منعکس است، از اهمیت زیادی برخوردار است. به هر حال آنان مخاطبان اولیه و اصلی آن متون هستند و بر خلاف ناظر بی‌طرف، با آن پیوندی ایمانی و تجربی برقرار کرده‌اند. چه بسا از کنار هم نهادن فقرات مربوط به آموزه‌ای در متون مقدس و اصلی ادیان، به نتایجی دست یابیم که پیروان آن دین - کم‌آ یا کیفاً - با آن موافق نباشند. این برداشت درون‌دینی از هرچه ناشی شده باشد، به لحاظ تفسیری معنادار است و نباید بی‌اعتنا از کنار آن گذشت.

ثالثاً، بازخورد آموزه‌هایی که در متون مقدس و اصلی هر دین مطرح می‌گردد در تاریخ تحولات و نیز، در حیات دینی پیروان آن، دربردارنده حقایق مهمی است و می‌تواند از مفهوم و اهمیت آن آموزه‌ها در آن دین، حکایت کند. مطالعه اندیشه منجی موعود نیز از این حقایق روش‌شناختی مستثنا نیست.

۴. توجه صرف به برداشت پیروان از متون مقدس

به‌رغم واقعیت پیش‌گفته، نباید به این حقیقت بی‌توجه بود که برداشت‌ها و تفسیرهای پیروان از متون مقدس و اصلی دین خود می‌تواند متأثر از شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آنان باشد و، در نتیجه، تکیه صرف بر این برداشت‌ها و تفسیرها در مطالعه آموزه‌های ادیان مختلف می‌تواند ما را از ماهیت واقعی این آموزه‌ها دور سازد. چه بسا، پیروان یک دین، در شرایط و اوضاع خاصی، از اذعان به وجود اندیشه‌ای مانند منجی موعود در دین خود سر باز زنند، یا بنا به دلایل و عللی از تفسیر علمی فقرات متن مقدس خود درباره نجات و منجی موعود خودداری ورزند. در این صورت، تکیه صرف و غیرتحلیلی به این قرائت‌ها می‌تواند رهن و گمراه‌کننده باشد.

۵. تکیه بر قرائتی خاص و عدم اعتنا به دیدگاه‌های مختلف در هر دین

صرف نظر از جایگاهی که آموزه‌ای مانند منجی موعود ممکن است در متون مقدس و اصلی هر دینی داشته باشد، میزان اقبال گرایش‌ها و قرائت‌های مختلفی که معمولاً در هر دینی وجود دارد، به این آموزه متفاوت است. معمولاً جریان‌ها و گرایش‌های رادیکال و انقلابی، اقلیت‌های تحت فشار و نیز گرایش‌های باطنی، توجه بیشتری به این نوع آموزه‌ها دارند؛ و برعکس، جریان‌ها و گرایش‌های محافظه‌کار، اکثریت حاکم یا وابسته به قدرت و نیز، جریان‌های ظاهرگرا در هر یک از ادیان، به این‌گونه آموزه‌ها اعتنای کمتری می‌کنند. بنابراین، اگر در مطالعه اندیشه منجی موعود در ادیان، بر یکی از این قرائت‌ها تکیه کنیم و دیگر برداشت‌ها و دیدگاه‌ها را به حساب نیاوریم، بی‌گمان در بازجست حقیقت ناموفق خواهیم ماند.

۶. عدم روشمندی

گرچه روشمندی، شرط هر تحقیق عالمانه‌ای است، فقدان این شرط در بسیاری از آثار مربوط به اندیشه منجی موعود در ادیان بیشترین این آثار را کم‌فایده ساخته است. آثار نسبتاً پرشماری که درباره این موضوع منتشر می‌شود کمتر بر پایه روش، رویکرد و ساختار عالمانه و متناسبی صورت می‌گیرد. در یک مطالعه روشمند در باب موضوع موعودباوری در ادیان بایستی آگاهانه به موارد زیر اندیشید و متناسب با آن عمل کرد:

الف) غرض ما توصیف صرف اندیشه منجی موعود در وضع فعلی یک دین است، یا که می‌خواهیم تاریخ پیدایش و تحولات و وقایع مربوط به آن اندیشه را گزارش کنیم؟ در صورت نخست، علاوه بر توصیف، آیا می‌خواهیم از ابعاد و عناصر فرعی و عارضی به سوی امور جوهری آن اندیشه نیز، حرکت کنیم و ویژگی‌های نوعی آن اندیشه را در آن دین معلوم سازیم؟ در صورت دوم، آیا به کشف ربط و پیوند این اندیشه با دیگر پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی و ریشه و خاستگاه آن نیز می‌اندیشیم؟

ب) آیا علاوه بر اینها، قصد مقایسه این اندیشه با موارد مشابه آن در ادیان دیگر را هم داریم، تا مطالعه ما صورت مقایسه‌ای به خود بگیرد؟

ج) آیا از زاویه خاصی (مثلاً متن‌شناختی، لغت‌شناختی و یا جامعه‌شناختی) به این اندیشه می‌پردازیم؟ در صورت پاسخ مثبت از کدام زاویه؟

(د) آیا ذهنیت یا پیش فرض خاصی بر مطالعه ما حاکم است که خود از آن آگاهیم و می‌خواهیم آگاهانه آن را در این مطالعه به کار ببریم، یا سعی می‌کنیم حتی‌الامکان فارغ از هر نوع ذهنیت و پیش فرضی به این مطالعه دست یازیم؟

(ه) با توجه به این نوع ملاحظات، و با در نظر گرفتن ماهیت اندیشه منجی موعود در ادیان، چه ساختاری برای مطالعه ما مناسب‌تر است؟

(و) و بالاخره، منابع مطالعه ما باید شامل کدام دسته منابع باشد، تا به نتایج مطلوب نزدیک‌تر گردیم؟

نبود این گونه پیش‌اندیشی‌ها سبب شده و می‌شود تا مطالعات موعودی، به ویژه در حوزه پژوهش‌های فارسی، عموماً غنای کافی را نداشته باشد. بنابراین، در این جستاری پیش و بیش از هر چیز ضرورت دارد بدانیم اصولاً از مطالعه اندیشه منجی موعود در ادیان در پی حل کدام مسائل و پاسخ به چه پرسش‌هایی هستیم.

مهم‌ترین پرسش‌ها در باب موعودباوری در ادیان

اگر بخواهیم همه آنچه را که در موضوع موعودباوری در ادیان قابل طرح و بررسی است شماره کنیم، بی‌گمان، فهرست طولی را باید ترتیب دهیم؛ اما چنانچه بنا باشد مهم‌ترین و کلی‌ترین مباحث مطرح یا قابل بررسی را در چنین مطالعه‌ای در نظر آوریم، شاید بتوان آنها را در ده پرسش اصلی - که البته هر پرسش به پرسش‌های ریز و متعددی قابل تجزیه است - فهرست کرد. این پرسش‌ها به قرار زیر است:

آیا موعودباوری، پدیده‌ای فراگیر و جهانی است؟ اگر آری، در چه گستره‌ای؟ و آیا همه ادیان و مذاهب موعودباورند؟

آیا موعودباوری در همه موارد به یک صورت واحد است یا انواعی دارد؟ این تنوعات در چیست و چگونه می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد؟ تا چه حد این اندیشه‌ها، مشترک یا متفاوت‌اند؟

اندیشه منجی موعود در هر یک از ادیان یا جریانات موعودباور به لحاظ اصالت، رسوخ، فراگیری، و سرزندگی چگونه است؟

آیا موعود همه ادیان یکی است؟ آیا امکان تجمع همه این وعده‌ها در یک وعده جامع و واحد وجود دارد؟

موعودباوری در خاستگاه خود چگونه اندیشه‌ای است؟ آیا برخاسته از اعتقاد به یک پیش‌بینی است، یا تشخیص یک ضرورت تاریخی است، یا ناشی از امیدی روان‌شناختی

در هنگامه بیچارگی هاست، و یا چیز دیگری است؟ و آیا اصولاً خاستگاه موعودباوری‌ها یکی است، یا از این حیث متفاوت‌اند؟

نظریه مناسب و قابل قبول برای توجیه فراگیری جهانی اندیشه منجی موعود چیست؟ (وام‌گیری، کهن‌الگوها، واکنش انسانی یک‌سان در برابر فشارهای اجتماعی، انکشاف حقیقتی واحد بر افراد مختلف و...)

آیا اصولاً موعودباوری اندیشه‌ای مثبت و سازنده ارزیابی می‌شود؟ اگر آری، امکانات این اندیشه برای بهبود اوضاع بشر چیست؟ در هر کدام از ادیان، این اندیشه حامل چه انرژی مادی و معنوی‌ای است؟ کدام‌یک از مصادیق موعوداندیشی از این لحاظ برتر است؟

کدام‌یک از مصادیق موعوداندیشی به لحاظ نظری، عملی و ارزشی مستحکم‌تر، مؤثرتر و متعالی‌تر است؟

موعودباوری چه نسبتی با جهانی شدن به عنوان یک نظریه و نیز یک پدیده دارد؟ اندیشه منجی و نجات موعود چه نسبتی با موضوع صلح یا جنگ جهانی دارد؟ آیا نوید صلح می‌دهد، یا وعید جنگ؟ یا که مصادیق آن از این بابت متفاوت است؟ هریک از این مسائل، می‌تواند ذهن پرسش‌گر را به خود مشغول دارد و لاف‌ل برخی از آنها می‌تواند موضوع تحقیقاتی مفصل قرار گیرد. بی‌گمان این همه را، نمی‌توان در یک بررسی به دست آورد و برای هریک می‌باید طرح ویژه و مستقلی ریخت، تا آن‌گونه که شایسته است به آن پاسخ داده شود.

این جستار امکان پاسخ به کدام پرسش‌ها را فراهم کرده است؟ این جستار به‌طور خاص و مستقیم برای پاسخ به پرسش‌های دوم و سوم از پرسش‌های بالا جهت یافته است؛ اما، از باب ملازمه، پاسخ پرسش اول را نیز، می‌دهد و زمینه را برای مطالعه و تأمل درباره هفت پرسش دیگر هم فراهم می‌کند و تاحدودی به آن نزدیک می‌گردد. به این ترتیب، بدنه اصلی این جستار به موضوع میزان اصالت، رسوخ، فراگیری و نیز، یک‌پارچگی یا تنوع اندیشه منجی موعود در ادیان اختصاص دارد. به تبع، با این کار، موعودباور بودن یا نبودن همه ادیان و به عبارتی، جهانی بودن یا نبودن اندیشه منجی موعود نیز بررسی خواهد شد؛ اما برای آنکه از اشارات و زمینه‌هایی که این جستار برای پاسخ به هفت پرسش دیگر نیز فراهم می‌آورد بی‌تأمل درنگ‌ندیم، در خاتمه جستار به آنها خواهیم پرداخت.

ساختار تحقیق

این تحقیق در قالب مجموعه مقالات ارائه می‌گردد. در این مجموعه، موضوع اندیشه منجی موعود را در مهم‌ترین ادیان تاریخی و زنده جهان بررسی خواهیم کرد. این ادیان عبارت‌اند از: آیین زرتشتی، آیین هندو، آیین بودا، آیین کنفوسیوس، آیین دائو، یهودیت، مسیحیت و اسلام. آیین‌های سیک، جینه و شین‌تو را به این دلیل از قلم انداخته‌ایم که به‌جز رگه‌هایی، آن‌هم در برخی گرایش‌های نه‌چندان اصلی و یا در لابه‌لای منابع آنان، اندیشه منجی موعود در آنها مطرح نبوده است.

اندیشه منجی موعود البته، منحصر در ادیان تاریخی و زنده نیست؛ به‌جز دین بدوی (هنوز صورت‌هایی از آن به‌طور پراکنده در مناطقی از آفریقا، مناطق جنگلی هند و استرالیا وجود دارد) که از این گونه مباحث پیچیده بی‌بهره است، گزارش‌هایی از وجود اندیشه نجات و منجی موعود در ادیان خاموش باستانی (ادیان مردم یونان و مصر باستان) و همچنین در ادیان بومی آمریکای مرکزی و آفریقا وجود دارد. علاوه بر این، اندیشه نجات و منجی موعود را در آنچه که امروزه به عنوان ادیان جدید و جریان‌های نوپدید دینی می‌شناسند، نیز، می‌توان بررسی کرد. بیشترین این پدیده‌های دینی جدید موعودی‌اند؛ اما، در این جستار، به سبب برخی تنگناها، از این سه دسته ادیان صرف‌نظر کرده‌ایم؛ باشد که در مجالی دیگر به آنها برسیم.

در این مجموعه، برای مطالعه اندیشه منجی موعود در هر دین یک مقاله اختصاص یافته است؛ اما به دلیل اشتراک زیرساخت‌های دینی و فرهنگی آیین‌های کنفوسیوس و دائو، این دو دین را در یک مقاله، با عنوان «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان چینی» بررسی کرده‌ایم. همچنین به دلیل گستردگی و اهمیت اسلام، در این جستار، اندیشه منجی موعود را در این دین در شش مقاله به تفکیک زیر گنجانده‌ایم:

گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در قرآن و سنت نبوی(ص)؛

بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام؛

گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در مذهب تسنن؛

گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تصوف و عرفان اسلامی؛

گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در مذهب تشیع؛

جوهره مهدویت.

باید اضافه کرد که این جستار در مطالعه اندیشه منجی موعود در هر یک از ادیان و مذاهب، سه محور را دنبال کرده است:

اندیشه منجی موعود در متون مقدس، اصلی و کلاسیک (منابع دینی)؛
 بازتاب اندیشه منجی موعود در تاریخ تحولات آن دین؛
 بازتاب و جایگاه اندیشه منجی موعود در دین‌ورزی و حیات دینی پیروان.

از مطالعه محور اول انتظار می‌رود، اصالت اندیشه منجی موعود در هر دین معلوم گردد. از بررسی محور دوم، می‌خواهیم میزان رسوخ و فراگیری این اندیشه را در دین‌های گوناگون آشکار کنیم. از مطالعه محور سوم، بر آنیم تا میزان سرزندگی و پویایی این اندیشه را در آن دین و مذهب معلوم کنیم.

برای آغاز کار، در این نوشتار، مقاله‌ای به عنوان مقدمه آورده شده است که در ضمن آن کلیاتی درباره موعودباوری، دسته‌بندی‌ها و تنوعات موجود یا محتمل در اندیشه نجات و منجی موعود را برشمرده‌ایم، تا خواننده بتواند این انواع و ویژگی‌ها را در هنگام مطالعه موعودباوری در دین‌های مختلف رصد کند. در این مقدمه، علاوه بر این، خواننده با اصطلاح‌شناسی عمومی این مباحث و نیز با اصطلاح‌های احیاناً خاص این نوشتار آشنا می‌شود.

روش و رویکرد این جستار

هدف غایی این جستار، ورای ارائه گزارشی آکادمیک از اندیشه منجی موعود در ادیان و میزان فراگیری و رسوخ این اندیشه در هر یک از آنها، تبیین گوناگونی و ویژگی‌های نوعی موعودباوری‌ها بوده است. به همین علت، در عین بهره‌گیری از روش‌ها و رویکردهای متناسب با هر یک از محورهای پیش‌گفته، حاصل و برآیند همه را در رویکرد «پدیدارشناسی نوع‌شناختی» به کار گرفته‌است. به این ترتیب، در این جستار از روش توصیفی، تحلیلی و رویکردهای متن‌شناختی، تاریخی - انتقادی و مردم‌شناختی در جای خود، استفاده شده است و در عین حال، کوشیده‌ایم تا داده‌هایی را که برای تبیین ویژگی‌های نوعی هر موعودباوری مفید است فراهم آورده، برجسته کنیم و در جاهای گوناگون، به‌ویژه در بخش پایانی هر مقاله، آنها را برای گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در آن دین یا مذهب به کارگیریم.

اگرچه این جستار روش مقایسه‌ای را به‌طور مستقیم برای فهم و تبیین موعودباوری ادیان به کار نگرفته است، اما به‌طور غیر مستقیم، با کنار هم آوردن گونه‌ها و مصادیق مختلف موعودباوری در ادیان، آن هم با ضرب‌آهنگی کم‌وبیش یک‌دست، زمینه را برای مقایسه عالمانه خوانندگان فراهم آورده است. علاوه بر این، نتایج گونه‌شناسانه‌ای که در

مورد موعودباوری هر دین یا مذهب به دست آورده و آنها را با اصطلاح‌شناسی واحد و دسته‌بندی مشخص - که در مقاله مقدمه معرفی شده است - ارائه کرده است، کار را برای مقایسه‌ای سرراست آسان‌تر کرده است.

تنگناها

این تحقیق نیز مانند همه تحقیقات علمی با مشکلات و تنگناهایی روبه‌رو بوده است. نخستین مشکل، نبود محققانی بود که در عین برخورداری از تخصص نسبی در یکی از ادیان، و بهره‌مندی از ویژگی‌های لازم برای تحقیق آکادمیک، به این موضوع علاقه نشان دهند. موضوع موعودباوری در ادیان، به‌ویژه در ایران، متأسفانه وضعیتی شبیه به فیلم‌های مذهبی - تاریخی سال‌های پیشین تلویزیون پیدا کرده است که با انجام دادن کارهای ضعیف و غیر اصولی به صورت ژانری دست‌خورده و ناموفق درآمده بود. متقاعد کردن پژوهشگران برای ورود به چنین عرصه‌ای خود، باری بر دوش طراح این اثر بوده است.

پس از این، توجیه طرح برای پژوهندگان، مشکل دیگری بود که پیش از هر اقدامی باید انجام می‌گرفت. با وجود این، بیشتر مقاله‌ها سرانجام پس از طی چندین مرحله حک و اصلاح و رد و قبول، سرانجام به وضع مطلوب نزدیک شد. طبیعی است که هر محقق با یکی از روش‌ها یا رویکردهای تحقیقی خو گرفته است و مشکل بتوان کسی را وادار کرد تا از روش و رویه مألوف خویش درگذرد. بنابراین، حتی پس از توجیه کامل و اصلاحات مکرر، این بر عهده مدیر طرح بوده است که با ویرایشی کم و زیاد، مقاله‌ها را به نسق نسبتاً واحدی درآورد. با این همه، هنوز غلبه ناخواسته برخی رویکردها، مانند رویکرد تاریخی - انتقادی، بر بعضی مقاله‌های این مجموعه انکارناپذیر است.

تنگنای دیگر، بی‌سابقه یا لااقل کم‌سابقه بودن تحقیق بر روی این موضوع در برخی ادیان، مانند آیین‌های بودا، کنفوسیوس و دائو بود، که سبب می‌شد تا حتی اگر محقق پذیرای کار در این باره شود، مجبور باشد برای نخستین بار داده‌ها را از لابه‌لای متون اولیه و یا آثار پراکنده بیابد و پاسخ پرسش‌های اصلی این مجموعه را از آنها به‌درآورد. در سایر ادیان نیز، حتی با وجود آثاری که بود، سابقه‌ای برای مطالعه اندیشه منجی موعود با این رویکرد (پدیدارشناسی نوع‌شناختی) نبود و این مسئله، کار را مشکل‌تر می‌کرد.

و آخرین مشکل، کمبود منابع دست اول و معتبر بود. منابع برخی ادیان هنوز به فارسی ترجمه نشده و آنهایی هم که شده است، عموماً چندان قابل اعتماد نیست. منابع دانشگاهی نیز، در این زمینه محدود به مدخل‌های چند دایرةالمعارف و تعدادی تک‌نوشته می‌شد. به این سبب، بسیاری از داده‌های این مجموعه، از لابه‌لای متون تاریخی، الاهیاتی و ادبی به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و عربی استخراج و بهره‌برداری شده است.

همکاران پژوهشی

- پژوهندگانی که این اثر را پدید آورده‌اند، به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از:
- اسدالله آذیر (دکتری)، عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه (یهودیت)
 - صادق ابوطالبی (دکتری)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (آیین هندو)
 - محمد جاودان (دکتری)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (تشیع)
 - ابوالقاسم جعفری (کارشناسی ارشد)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (آیین بودا)
 - محمدعلی رستمیان (دکتری)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (ادیان چین)
 - مهرباب صادق‌نیا (دکتری)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (مسیحیت)
 - مهدی فرمانیان (دکتری)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (بازتاب تاریخی مهدویت، تسنن)
 - مصطفی فرهودی (کارشناسی ارشد)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (آیین زرتشتی)
 - محمدحسن محمدی مظفر (دکتری)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (قرآن و سنت نبوی)
 - سعید منتظری (دکتری)، عضو گروه ادیان شرق دانشگاه ادیان و مذاهب (آیین زرتشتی)
 - علی موحدیان عطار (دکتری)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (مدیر علمی طرح)
 - محمد نصیری (دکتری)، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (تصوف و عرفان اسلامی).

علی موحدیان عطار

قم، ۱۳۸۸